

[This question paper contains 4 printed pages.]

Your Roll No.....

Sr. No. of Question Paper : 1751

I

Unique Paper Code : 2092103502

Name of the Paper : Indo-Persian Prose

Name of the Course : B.A. (Hons.) Persian – 14

Semester : V

Duration : 3 Hours

Maximum Marks : 90

Instructions for Candidates

1. Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.

Note : Unless otherwise required in a question, answers should be written either in English or in Hindi or in Urdu; but the same medium should be used throughout the paper.

Instructions for candidates :

- Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.

Attempt the following questions.

پرسشهای زیر را پاسخ دهید.

1. Write the following passage with reference to the context.

10

متن زیر را با سیاق و سباق خوشخط نقل کنید.

چون منوچهر خویشتن را به نقاب خاک پوشانید، پسر او نوذر به جای پدر نشست، و فتنه ها برخاست. گفتی مگر روز برفت و شب آمد، یا صحت برفت و تب آمد. باد دولت افراسیاب در جنبید، و شوکت و قوت او کار بر ایرانیان مضطرب گردانید. و لشکر، نوذر را خلاف کردند؛ و پهلوانان که روی کار او بودند پشت بدو آوردند. تا به سوی سام نامه نوشت و از وی مدد خواست؛ و به عدت وی استظهار طلبید، و سام به خدمت شتافت. و چون حسن عهد به جای آورد، و شکر نعمت منوچهر را در معاونت فرزندی بگذارد، چون خبر رسیدن به نوذر رسید، جملگی لشکر به استقبال او رفتند، و او را خدمت کردند. و سام مرایشان را ملامت کرد که چرا دم خلاف می زید.

P.T.O.

2. Translate any **one** of the following passages into English, Hindi or Urdu.

20

یکی از متون زیر را به زبان انگلیسی هندی یا اردو ترجمه کنید.

(A)

قبله خدا پرستان سلامت. ممدوح از ستایش مستغنی، و ماح در بیان نارسا، غلو در عرض نیاز فضولی، و ابرام در شرح شوق بدنما. چه گویم تا آبروی خموشی نریزد، و چه نویسم تا داغ کوتاه قلمی برخیزد. همانا این عبودیت نامه را قماش سلام روستائی است و دایره هر حرفش را پرواز کاسه گدائی. لختی شکم بنده ام، و قدری ناتوان، هم آرایش خوان جویم و هم آرامش جان. خردوران دانند که این هردو صفت به آئینه اندر است و اهل کلکته بر آنند که قلمرو آینه هوگلی بندر است. آری آئینه از هوگلی و گل از گلشن، ایثار از جناب، و سپاس از من. شوق می سگالد که هر آینه تا پایان فصل دو سه بار به خاطر ولی نعمت خواهم گذشت و آز می نالد که حاشا بین ما به برخورداری خرسند نخواهم گشت.

(B)

روز یکشنبه غریب واقعه روی نمود. شاه شجاع در عمارات دولتیخانه بازی می کرد و اتفاق دریچه بود بجنانب دریا پرده بر روی آن افکنده و دروازه را نه بسته بودند شاهزاده بازی کنان بجنانب دریچه برفت که تماشا کنند بمجرد رسیدن سرنگون بزی افتاد قضا را پلاسی ته کرده در زیر دیوار هانواده بود فراشی متصل آن نشسته سر شاهزاده بر پلاس و پاها بر پشت و دوش فراش خورده بزمین افتاد بآنکه ارتفاعش هفت ذرع است چون حمایت ایزد جل شانه حافظ و ناصر بود وجود فراش و پلاس واسطه حیات شد.

3. Explain any one of the following passages.

15

یکی از متون زیر را شرح کنید.

(A)

روزی پیغامبر علیه السلام فرسنگی از شعاع مکه برون شد، و به نماز مشغول گشت؛ و ابو طالب او را باز طلبید، و نیافت؛ و از آن جهت دل پریشان شد، و به هر طرفی برون رفت تا آنگاه که او را بیافت در میان نماز. حالی شاد گشت، و بنشست تا او فارغ شد. آنگاه گفت: ای فرزندان این چیست که تو می کنی؟ و به هروجه او را ملامت می کرد، او سرافکنده می بود، و چشم بر زمین داشت، تا ابو طالب خاموش گشت. آنگاه گفت: آنچه من می کنم خدای من تعالی مرا فرموده است، و بدان به بهشت خود وعده کرده، و اگر تو به دین من در آیی همین بیابی. و به انواع ملاحظت او را دعوت کرد. گفت: اکنون بیگانه نیست، مرا معجزه بنمای تا به تو بگروم، پیغامبر علیه السلام در نگرید.

(B)

در آنوقت رای مان سردار پیادهای خدمت دریای جهر و که استاده بود فی الفور دویده آن قره العین خلافت را برداشت و در آغوش گرفته متوجه بالا شد در آنحالت همین قدر پرسید که مرا کجامی بری او عرض کرد که بملازمت حضرت دیگر ضعف مستولی شد و از حرف زدن ماند. درین وقت آنحضرت باستراحت مشغول بودند از استماع این خبر موحد سر سیمه از جاجسته بیرون شتافتند آن نور حدقه خلافت را در آغوش شفقت گرفته زمان ممتد محو این موهبت مجدده الهی بوده سجدهات شکر بتقدیم رسانیدند و گروهها گروه از فقرا و ارباب استحقاق که در شهر و نواحی توطن داشتند از وجه تصدقات و خیرات کام دل برگرفتند.

4. Reproduce the following passage in simple Persian.

10

متن زیر را به فارسی ساده باز نمایند.

والد برادر خجسته اختر که با این همه دوری چشم دلش به سوی من نگران است دریا بد که غالب رهرو را روزگار بادیه نوردی سر آمد، و رخت سفر به سر منزل کلکته گشوده شد؛ چه کلکته جهانی از هر گونه کالا مالا مال. جز چاره مرگ هر چه گویی پیش هنر و دانش سهل، و جز بخت هر چه خواهی به بازارش فراوان. فرود آمدن جای من کاشانه ای است به شمله بازار که آنرا روز ورود همان هنگام ورود بی زحمت جستجو یافته ام. بالجملة ایزدی نوازش ست از خواب خوش برخاسته و روی ناشسته، به درگاه آمده را در چشم و دل فرماندهان جای داد، و در انجمن پایه از خواش برتر بخشید. مستر اندرو استرلنگ نامی از اعیان کونسل درد دل دردمند شنوی و به خستگی بند غم مرهم نهی به بیکسیهای من بخشوده است.

5. Write a note on Jahangir Nama.

10

گزارشی درباره جهانگیر نامه بنویسید.

6. Show your acquaintance with Persian letters of Ghalib. 15

آشنائیتان با خطوط غالب مطرح کنید.

7. Write a note on Jawameul Hikayaat. 10

گزارشی درباره جوامع الحکایات بنویسید.